

## فهرست

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۳
فصل اول: خدای هزارچهره	۱۷
فصل دوم: گذار وجودشناسانه تلماک	۴۳
فصل سوم: اخلاق و جودی	۶۳
فصل چهارم: غولِ بی آیین	۹۱
فصل پنجم: آفتاب پرست و دو بسترزیتون	۱۰۹
مؤخره	۱۲۳



## پیشگفتار

در چهارمین شرح دریفوس، زئوسِ غریبه‌نواز، به جهانی کاملاً متفاوت راه می‌بریم که به‌سخن خود او، اروپاییان در عین حال آن را از قرون وسطی و دورهٔ روشنگری، به خود نزدیک‌تر می‌یابند. در مقام مقایسه، اگر کم‌دی الهی اصلی‌ترین تجلی وحدانیت مندرج در آنتوتولوژی است، اودیسه مهم‌ترین جلوهٔ ادبی چندخدایی است. این همان جهانی است که موبی‌دیک به‌مثابهٔ شعر زمانهٔ عسرت، راه‌بازگشت به آن را نشان می‌داد، جهانی که خدایان چونان احوال وجودی بر آن حکومت می‌کنند.

در اینجا نیز مثل کم‌دی الهی، دریفوس شرحی گزیده ارائه می‌دهد و همهٔ بیست‌و‌چهار سرود اودیسه را بررسی نمی‌کند. به‌علاوه، عناد او با مترجمان در این تفسیر نیز پابرجاست. او سه ترجمه از اودیسه را به دانشجویان معرفی می‌کند که یکی از آن‌ها را بر دو تای دیگر ترجیح می‌دهد، اما در بسیاری جاها از دو ترجمهٔ دیگر نقل قول می‌کند، چون آن یکی را با تفسیر خود همسو نمی‌یابد. مشخصات همهٔ این ترجمه‌ها را در پانویس آورده‌ام. در کتاب حاضر از ترجمهٔ سعید نفیسی (ایلیاد و اودیسه، هومر، انتشارات هرمس، چاپ

ششم، ۱۴۰۰) استفاده می‌کنم که گاهی حتی بر سه ترجمه برگزیده دریفوس برتری دارد و البته گاهی مجبور شده‌ام برای انتقال بهتر مطلب، دخل و تصرفی اندک در آن بکنم. همه مواردی که ناچار به این کار بوده‌ام، و نیز اصل ارجاع انگلیسی دریفوس، در پانویس‌ها آمده است.

چنان‌که در پیشگفتار دو جلد اخیر نیز گفته‌ام، دریفوس به همراهی یکی از دانشجویانش به نام شان دورانس کلی، فصلی کوتاه را در کتاب درخشش جملگی چیزها به اودیسه اختصاص داده است.<sup>۱</sup> پیشتر گفته بودم که چکیده‌های آن کتاب، محذوفاتی بسیار و اختلافاتی فراوان با درس گفتار دارند و در موارد اختلافی، همواره درس گفتار در اولویت خواهد بود، گرچه می‌کوشم جمع‌بندی تا حد امکان جامع و مانعی از هر دو به دست بدهم؛ و نیز به‌ویژه در باب کم‌دی الهی گفته بودم که دریفوس (و بسیاری وقت‌ها شان کلی) چکیده‌های کتاب را برای مخاطب عام می‌نویسد و گاهی چنان به ورطه ساده‌سازی بیش از حد می‌افتد که عمق شرحی را که در درس گفتار ارائه داده است، به‌نحوی زیان‌بار از بین می‌برد. در باب اودیسه باید گفت که جلد حاضر کمترین شباهت را با آنچه در آن کتاب آمده است دارد و در مجلد حاضر طبیعتاً کمترین ارجاع را به کتاب داده‌ام. به‌علاوه، در جست‌وجوهایم دریافتم که شان کلی، نوعی سوژه محوری اومانستی را به این چکیده‌ها اضافه کرده که دریفوس آن را تأیید می‌کند. او در مصاحبه‌ای با حضور خود شان کلی صراحتاً اظهار می‌کند با این اومانسیسم قاجاق‌شده به کتاب، همدل نیست.<sup>۲</sup>

۱. نگاه کنید به:

Hubert Dreyfus and Sean Dorrance Kelly, *All Things Shining, Reading the Western Classics to find Meaning in a Secular Age*, Free Press (New York, London, Toronto, Sydney: 2011).

۲. برای دسترسی به این مصاحبه با عنوان «گفت‌وگوهایی با تاریخ، هیوبرت دریفوس و شان دورانس کلی» بروید به:

<https://www.youtube.com/watch?v=UpQHxJQrg1E>

همان‌طور که در یکی از پانویس‌ها گفته‌ام، دریفوس این سنت اومانستی را به فلسفه وجود ژان پل سارتر و برداشت او از اراده آزاد مطلق ربط می‌دهد که بر کتاب‌های بزرگ<sup>۱</sup> استوار است و در تضادی کامل با آثار هنری و احوال وجودی در معنای هایدگری موردنظر دریفوس است. از این حیث می‌توان گفت که شان کلی در تقریر و برداشت آزاد خود از کلاس‌های دریفوس، نکته‌ای اساسی را در نیافته است.

به هر روی، در پیوند با پیشگفتارهای دیگر جلدها تکرار این نکته را ضروری می‌دانم که این شرح‌ها را در معنای دقیق کلمه باید روایتی از روایت دریفوس دانست و نه تقریری طابق النعل بالنعل از آنچه در کلاس او گذشته است، به‌ویژه از آن رو که در برخی جاها دوگانه تام دریفوس بین اراده آزاد مطلق سارتر و احوال وجودی هایدگر را پذیرفتنی نیافته‌ام و شیفتگی گهگاه افراطی و نسبی‌گرایانه او به احوال وجودی و لزوم و انهادن بی‌کم‌وکاست خود به آن‌ها را مخصوصاً از این منظر نقد کرده‌ام که او خود ضرورت قائل شدن به حدی میانه را درمی‌یابد، اما هیچ نمی‌کوشد که چنان چیزی را مفصل‌بندی کند.

و سرانجام به روال جلدهای پیشین مایلم از زهرا احمدی تشکر کنم که به‌رغم مشغولیت‌های فراوان عید سال ۱۴۰۱، تا پایان مرا در خوانش دوباره نسخه اولیه همراهی کرد تا بتوانم بسیاری از ناپیراستگی‌های متن را بیالایم.



## مقدمه

دریفوس از کارتونی معروف در مجله نیویورکر<sup>۱</sup> سخن می‌گوید که در آن زنی معتاد به مطالعه، برای درمان اعتیاد خود مشغول خواندن کتابی با این عنوان است: زنی که بسیار می‌خواند<sup>۲</sup>. آنچه این کارتون نشان می‌دهد، طعن است و نه تحسین. مدرن‌ها تعهد را به اعتیاد تعبیر می‌کنند. اگر زیاد می‌خوانید، خوره کتابید<sup>۳</sup> و اگر زیاد کار می‌کنید، خوره کار<sup>۴</sup>. مدرن‌ها هیچ چیزی را خیلی جدی نمی‌گیرند. دریفوس این را «ایستار باری به هر جهت»<sup>۵</sup> می‌نامد، ایستاری که در برابر هر نوعی از اقسام جدیت، این پاسخ را در چننه دارد: «خُب حالا هر چی!»<sup>۶</sup> مدرن‌ها گرچه از شور و علاقه<sup>۷</sup> داد سخن می‌دهند، ته حرفشان را که بخوانیم، دوست دارند روی کاناپه راحتی‌شان لم بدهند

- 
1. New Yorker
  2. *A woman who reads too much*
  3. book worm
  4. workaholic
  5. whatever attitude
  6. OK whatever!
  7. passion

و چندان خود را به دردسر نیندازند. آنان اهل مخاطره نیستند. ارزشی یا رسالتی ندارند که معنای زندگی‌شان را تعیین کند، چون آنچه را دریفوس فراخوان وجودی<sup>۱</sup> می‌نامد، با تمسخر می‌نگرند. تعهد در نظر آنان زندان است. دریفوس به نقل از آلن بلوم<sup>۲</sup> اظهار می‌کند که دید مدرن‌ها چنان باز شده است که کلاً دیدشان را از دست داده‌اند. این تصویر بی‌درنگ مفهوم آخرین انسان<sup>۳</sup> نیچه را به ذهن متبادر می‌کند، انسانی که دریفوس در توصیف آن می‌گوید: او هیچ چیزی ندارد که ارزشش را داشته باشد به خاطرش بمیرد. آخرین انسان حتی به خاطر جهان سرخوشی سبکسرا نه‌ای که خود در آن حضور دارد، حاضر به فداکاری، جدیت و دست زدن به انتخاب‌های تراژیک نیست.

اگر به بیانی دقیق‌تر، آخرین انسان را متعلق به مدرنیته متأخر بدانیم، می‌توانیم از ناخدا آخاب به‌عنوان انسانی نام ببریم که نماینده انسان مدرنیته متقدم است، انسان متعهد به حقیقت جهان‌شمول و معنای متعین و واپسین، انسانی که چنان مجذوبانه خود را وقف این تعهد می‌کند که حاضر است زندگی خود و دیگران را در پای آن قربانی کند. همان‌طور که در شرح موبی‌دیک گفتیم، دریفوس به این تعهد افراطی نیز علاقه‌ای ندارد و از آن به زندان وجودی تعبیر می‌کند. بنابراین طعن کارتون نیویورکر، سهمی از حقیقت دارد. در نتیجه نه بی‌تعهدی آخرین انسان و نه تعهد یکه‌ویگانه امثال ناخدا آخاب و زین کتابخوان، نمی‌توانند شیوه زیستن مطلوب باشند. از سوی دیگر، دریفوس آنچه را نیز که شیوه پسامدرن می‌خواند، مردود می‌شمرد. در این شیوه، انسان‌ها می‌کوشند در همه جهان‌ها سکنی گزینند، سکونتی که به‌زعم دریفوس سطحی است و به چیزی می‌انجامد که

---

1. existential calling  
 2. Allan Bloom  
 3. last man